

چهار فصل سازهای ایرانی

(مجموعه مقالات و درس گفتارها)

به اهتمام: هادی ربیعی

چاپ ششم

جستارهایی در چیستی هنر اسلامی

(مجموعه مقالات و درسگفتارها)

چاپ ششم

به اهتمام: هادی ربیعی

هنرشناسی



۱۳۹۳

فهرست مطالب

۷ مقدمه
۱۵ مروری بر تاریخ موسیقی ایرانی - اسلامی / عبدالله انوار
۲۵ مروری بر تاریخ نگارگری ایرانی - اسلامی / حبیب‌الله آیت‌اللهی
۳۵ مروری بر تاریخ معماری ایرانی - اسلامی / کامبیز حاجی قاسمی
۵۳ رویکرد عرفانی به هنر اسلامی / شهرام پازوکی
۶۱ رویکرد حکمای مشاء مسلمان به هنر اسلامی / هادی ربیعی
۸۳ رویکرد حکمت اشراق به هنر اسلامی / غلامحسین ابراهیمی دینانی
۹۵ رویکرد حکمت متعالیه به هنر اسلامی / سید مهدی امامی جمعه
۱۲۹ رویکرد اخوان الصفا به هنر اسلامی / حسن بلخاری قهی
۱۶۹ رویکرد سنت‌گرایان به هنر اسلامی / ایرج داداشی
۲۱۱ رویکرد فقه شیعی به هنر اسلامی / احمد پاکتچی
۲۳۱ رویکرد بینامتنی و ترامتنی به هنر اسلامی / بهمن نامور مطلق
۲۶۹ رویکرد نشانه‌شناسانه به هنر اسلامی / علی عباسی
۲۹۳ رویکرد جامعه‌شناسانه به هنر اسلامی / اعظم راودراد
۳۳۷ رویکردهای هرمنوتیکی به هنر اسلامی / محمد سعید حنایی کاشانی

مقدمه

طرح بحث

هنر به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی ظهور و بروز فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، جایگاه ویژه‌ای در تعاملات زیستی و فرهنگی انسانها داشته است و نقش محوری در پیشرفت و تعالی یا انحطاط و انحراف جوامع ایفا کرده است. هنر هر جامعه‌ای در بستر فکری و فرهنگی، دینی و اعتقادی و مطابق با شرایط تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی آن جامعه شکل می‌گیرد. در این میان دین به عنوان اصیل‌ترین و پرنفوذترین منبع فکری و معنوی، با بیان و بسط آموزه‌ها، تعالیم، آیین‌ها و مناسک خود، بیشترین تأثیر را بر فرهنگ و هنر جوامع برجای گذاشته است.

با ظهور اسلام، تمدن جدیدی شکل گرفت و فرهنگ اسلامی در جوامعی که کلام وحی در آنها طنین‌انداز شد، به سرعت گسترش یافت. این تحول در عرصه هنر نیز ظاهر شد و آثار هنری جدیدی خلق شد که به دلیل تمایز چشمگیر خود با دیگر آثار هنری، هنر اسلامی یا هنرهای اسلامی نام گرفت. هنر اسلامی تلاش کرد به مخاطب خود یاری رساند تا حقایق الهی را در ساحت مادی تجربه کرده و سوار بر بالهای زیبایی به سوی جایگاه اصلی خود که همانا «قرب الهی» است، حرکت کند.

هنر اسلامی یکی از چشمگیرترین و درخشان‌ترین جریان‌های تاریخ هنر است که توجه بسیاری از پژوهشگران و نظریه‌پردازان فرهنگ و هنر را به خود جلب کرده است. با وجود آن که این جریان هنری فاقد خط سیر مشخص و مدون تاریخی به لحاظ تفکیک دوره‌ها، سبک‌ها و مکاتب بوده است و مبانی فکری و فلسفی آن، چنان که باید تدوین نیافته است و علی‌رغم تنوع آثار هنری سرزمین‌های اسلامی از شرق دور تا

آسیای میانه و قفقاز و از جنوب شرق آسیا تا جنوب اروپا و اندلس و شمال آفریقا، پژوهشگر هنر اسلامی وحدت، سازگاری و هماهنگی خاصی در این آثار و سبک‌ها و حتی میان شاخه‌های مختلف هنر اسلامی مشاهده می‌کند که وی را به کشف و تبیین و توضیح چنین وحدت و انسجام و هماهنگی‌ای فرا می‌خواند.

فرهنگستان هنر و مطالعات نظری هنر اسلامی

با توجه به رابطه عمیق و تأثیرگذار مطالعات نظری و فعالیت‌های عملی، در عرصه هنر نیز هر چه مبانی فکری و نظری مکاتب و جریان‌های هنری از انسجام، هماهنگی و وضوح بیشتری برخوردار باشند و نسبت بین مباحث و مفاهیم روشن‌تر باشد، به همان میزان، جامعه هنری در خلق آثار متأملانه، ارزشمند و فاخر و نیز نقد و ارزیابی این آثار کامیاب خواهد بود.

توفیق هنر غرب در سیطره جهانی نه از قوت مبانی فلسفی یا قدرت تکنیک‌های هنری آن، بلکه بیشتر به سبب انسجام در زمینه‌های فکری، برخوردار از تناسبات مستحکم بین مبانی نظری و مکاتب و سبک‌های عملی و نیز هماهنگی بین نهادهای پژوهشی، آموزشی و اجرایی هنر است. آنچه هنرمند را متمایز می‌سازد اندیشه غنی، روح بلند و تخیل متعالی اوست و این اندیشه هرچه از انسجام، استحکام و اطمینان بیشتری برخوردار باشد، آثار خلق شده به مراتب متعالی‌تر و درخشان‌تر و فاخرتر خواهد بود.

البته شمار اندیشمندانی که در دوره‌های متقدم و متأخر به تبیین و تقویت مبانی نظری و فکری هنر اسلامی در حوزه‌های مختلف فلسفی، حکمی، عرفانی و تاریخی همت گماشته‌اند اندک نبوده است و بسیاری از هنرمندان فرهیخته و صاحب‌نظر نیز خود اهل نظرپردازی بوده‌اند؛ چنان که ما هم اکنون وارث سرمایه‌ای سرشار و غنی از تأملات ناب در زمینه هنر اسلامی هستیم. با این حال، به نظر می‌رسد در دوره‌ای که فرهنگ و تمدن غرب سعی در سیطره کامل خود بر همه زمینه‌ها دارد، برای احیاء، حفظ، تعالی و بالندگی فرهنگ، تمدن و هنر خود نیازمند تلاش و مجاهده‌ای درخور هستیم؛ فرهنگ و هنری که خود را متعلق به عالم وحی می‌داند و منادی نجات انسانها از ظلمت و پلیدی و رهنمون او به سوی نور و زیبایی عالم ملکوت است.

فرهنگستان هنر که رسالت اصلی خویش را توسعه و بسط همفکری و هم‌اندیشی و گفتگو بین اهالی فرهنگ و اندیشه و هنر و ایجاد زمینه پژوهش‌های بنیادین در حوزه هنر و نیز حمایت از پژوهشگران و هنرمندان هنرهای اسلامی - ایرانی می‌داند، دست یاری به سوی همه اندیشمندان، فرهیختگان، پژوهشگران و هنرمندان فهیم و اصیل این سرزمین گشوده است تا با عزمی راسخ و تلاشی مستمر و برنامه‌ای منظم به تبیین و بسط مبانی نظری و اندیشه‌های متعالی فرهنگ و هنر اسلامی و زدودن ابهامات و پاسخگویی به سؤالات پردازد.

در این راستا جلساتی با حضور نام‌آوران عرصه اندیشه و فرهنگ و هنر با عنوان «هنر اسلامی» برنامه‌ریزی شده است تا با طرح و بررسی مباحث کلیدی و بنیادین هنر اسلامی گامی در این راه بردارد.

گام اول: تعریف هنر اسلامی

سلسله نشست‌های هنر اسلامی ابتدا به مقوله «تعریف هنر اسلامی» می‌پردازد. زیرا قبل از هر بحثی در باب هنر اسلامی، دستیابی به فهمی معتبر، مقبول و جامع از این اصطلاح ضروری به نظر می‌رسد. همچنین باید مشخص شود که ماهیت هنر اسلامی چیست و چه تمایزی بین هنر اسلامی و دیگر جریان‌های هنری به لحاظ موضوع، روش و غایت و نیز مبانی فکری و فلسفی و حتی سبک خلق آثار و صورت (فرم) و محتوای آثار وجود دارد؟

به طور کلی، در مطالعات و پژوهش‌های بسیار اندیشمندان مسلمان و نیز مستشرقان، رویکردهای مختلفی نسبت به این موضوع اتخاذ شده است و حاصل آن تبیین‌های متفاوتی از هنر اسلامی بوده است. این رویکردها و تبیین‌ها را می‌توان در یک دسته‌بندی ابتدایی و نه لزوماً جامع به شرح ذیل بیان کرد.

رویکردها و تبیین‌های موجود درباره هنر اسلامی

۱. رویکرد و تبیین انکاری: براساس این رویکرد چیزی به نام هنر اسلامی نداریم و آنچه هنر اسلامی نامیده می‌شود هنر مسلمانان یا هنر سرزمین‌های اسلامی است. در واقع هنر هر منطقه تابع شرایط اقلیمی و فرهنگی و دیرینه تاریخی آن منطقه است.

برخی طرفداران این رویکرد قائلند به این که هنر اسلامی هنر متمایزی نیست، بلکه هنری است که محتوا و مضامین آن موضوعات دین اسلام است. عده‌ای نیز آن را حاصل تلفیق هنر تمدن‌های پیشین یا تمدن‌های دیگر می‌دانند.

۲. رویکرد و تبیین سلبی: برخی پژوهشگران هنر اسلامی معتقدند هنر اسلامی را نمی‌توان جریان هنری مستقلی دانست، بلکه هنر اسلامی صرفاً در مرحله آغازین، خلاق بود و پس از دوره‌ای کوتاه با تلفیق میراث‌های اولیه خود در قالب قواعد و قوانین عقیم، رکود و جمود یافت. این قواعد ضمن این که نتوانستند تفاوت‌های قومی جوامع مسلمان را کاملاً مخفی نگه‌دارند، ابتکار عمل فردی هنرمند را سرکوب کردند.

۳. رویکرد و تبیین تاریخی - توصیفی: در این رویکرد با توصیف رشد و تکامل هنر اسلامی در طی زمان، اجزای ابتکاری و عاریتی آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد و خصوصیات آثار خلق شده در دوره‌ها و بخش‌های مختلف جهان اسلام و همچنین فضاها و گوناگون و نیز کاربرد آنها در عرصه‌های معماری، موسیقی، هنرهای صناعی و تزیینی خاطر نشان می‌شود. بررسی هنر اسلامی به روش تاریخی و تجزیه و تحلیل و تأویل شرایط و موقعیت‌های تاریخی آن، علی‌رغم ضرورت و اهمیت، از درک عناصر لازم و لامکان هنر اسلامی - که در محدوده تاریخی و مرزهای جغرافیایی نمی‌گنجد - یعنی ساحت معنوی هنر اسلامی باز می‌ماند.

۴. رویکرد و تبیین حکمی - فلسفی: برخی با ذکر مبانی حکمی و فلسفی هنر اسلامی، آنچه را که در ذات هنر اسلامی نهفته است، «شهود عقلی» نامیده‌اند و عقل را قوه‌ای دانسته‌اند که از تعقل و استدلال بس فراگیرتر و متضمن شهود حقیقت‌های ازلی و جاودانه است. در این رویکرد، هنر اسلامی هنری است که متضمن عناصر سازنده‌ای از اندیشه و حکمت اسلامی باشد. بر این اساس، در هنر اسلامی امری وجود دارد که از احساس صرف، که لزوماً مبهم و متغیر است، فراتر می‌رود. عقل و شهود عقلی به عنوان قوه‌ای بسیار جامع‌تر از استدلال و تفکر، هنرمند را به سوی درک وحدت الهی و نورانیت وجود سیر می‌دهد. منبع الهام چنین حکمتی کلام الهی است که با تأمل و تعقل حاصل می‌گردد.

۵. رویکرد و تبیین عرفانی: در این رویکرد هنر اسلامی براساس مفاهیم عرفانی و مضامین «عالم معنوی» اسلام تعبیر و تفسیر می‌شود. در این دیدگاه هنرمند سالکی در مسیر

عرفان است که در پرتو الهام رحمانی و ربّانی به درک جلوه‌ای از حسن الهی و جمال ازلی نائل می‌شود و عالم صنع را پرتویی از حسن الهی تلقی می‌کند و این حسن و جمال را به صورت کلمات، الحان، نقوش و احجام تجسم می‌بخشد. براساس این تبیین اگر شهود حسن و جمال الهی یا «انکشاف حقیقت» را «روح» هنر اسلامی بدانیم، آثار هنر اسلامی «جسم» این هنر خواهند بود. در این دیدگاه هنر حقیقی، هنر مقدس است؛ هنری که از قلمرو زمان و مکان فراتر می‌رود و به ساحت حقیقت جمال احدی راه می‌یابد.

دو رویکرد اخیر را بسیاری از حکما و عرفای اسلامی و نیز سنت‌گرایان (هانری کربن، بورکهارت، رنه گنون، کومارا سوامی، نصر و دیگران) اتخاذ کرده‌اند.

۶. **رویکرد و تبیین عربی:** برخی هنر اسلامی را هنر عربی می‌دانند. به نظر ایشان هنر اسلامی در بستر جوامع و کشورهای عربی شکل گرفته و بسط یافته است و لذا هنرهای اسلامی اصالتاً و ماهیتاً عربی هستند.

۷. **رویکرد و تبیین هندسی:** برخی پژوهشگران هنر اسلامی بر جنبه هندسی هنر اسلامی تأکید کرده و اصلی‌ترین تمایز هنر اسلامی را نسبت به جریانات دیگر هنری این می‌دانند که هنرمندان مسلمان توانسته‌اند با استفاده از نقوش هندسی، مفاهیمی متعالی و انتزاعی نظیر مفهوم تجلی (یعنی تجلی ذات الهی در کثرت مراتب وجود) را به گونه بصری تصویر کنند. بنابراین نقوشی همچون اسلیمی‌ها، توربافت‌ها، شمشه‌ها، چند ضلعی‌ها و... در این تبیین، هنر هندسی است.

بسته به نوع تلقی و رویکرد به هنر اسلامی، تبیین ما از مسائل و مباحث هنر اسلامی نیز متفاوت خواهد بود. منشأ تفاوت رویکردها در آن است که هنر اسلامی را جریان اصیل، مستقل و ریشه‌دار بدانیم و آن را در مبانی فکری، مضامین و سبک و فرم دارای اصالت و استقلال و خلاقیت بشماریم یا به عکس آن را جریان هنری عاریتی، تقلیدی، تلفیقی یا غیراصیل و وابسته بدانیم. اتخاذ هر یک از این رویکردها به تلقی و تعریف ما از هنر اسلامی و ماهیت آن بستگی دارد.

مسائل پیش روی مطالعات هنر اسلامی

مسائل و چالش‌های بسیاری در این حوزه طرح و بحث می‌شود که پرداختن به آنها منوط به تحقیق و مطالعه در ماهیت و تعریف هنر اسلامی است. برخی از این پرسش‌ها عبارتند از:

- آیا هنر اسلامی هنری مستقل و متمایز از هنرهای فرهنگها، تمدن‌ها و ادیان دیگر است؟
- آیا تمایزی که بین آثار هنر اسلامی و دیگر آثار هنری مشاهده می‌شود به واسطهٔ هویت اسلامی آنهاست؟
- معیار هنرهای اصیل اسلامی و هنرهای اسلامی غیر اصیل و عاریتی کدام است؟
- چه ملاکی برای تفکیک و تمایز آثار هنری اسلامی و آثار هنری غیراسلامی می‌توان ارائه داد؟
- آیا هنرهای اسلامی در مضامین و محتوا و معانی اسلامی هستند یا صورت و فرم و سبک به کار گرفته شده نیز خاص و مخصوص هنر اسلامی است؟
- چه تمایزی بین مبانی و خاستگاههای هنر دینی و اسلامی و هنرهای غیردینی، هنرهای زیبا (Fine Arts) و هنرهای مدرن و پست مدرن وجود دارد؟
- محدودیت‌های هنر اسلامی در تصویرگری، پیکرتراشی و موسیقی، مبانی فقهی داشته یا معطوف به مبانی فلسفی و فکری اسلام است؟
- آیا تحولات صورت گرفته در احکام مربوط به مسائل هنر اسلامی بیانگر وابستگی این احکام به تحولات جامعه‌شناختی است؟ به بیان دیگر آیا تعاملات بین علمای دینی و فقها و هنرمندان با تغییر اوضاع فرهنگی و اجتماعی دستخوش تغییر و تحول می‌گردد؟
- چگونه می‌توان از دریچه مبانی حکمی، عرفانی و دینی عالم اسلام به فهم تحولات تاریخی و اجتماعی هنر اسلامی نائل شد؟
- آیا ماهیت هنر اسلامی منطبق بر حقیقت تاریخی آن است؟
- تعاملات هنر اسلامی با میراث هنری سرزمین‌های فتح شده و نیز سرزمین‌های غیراسلامی چگونه بوده است؟
- چه رابطه‌ای بین احکام فقهی و اصول اخلاقی ناظر به هنر در عالم اسلام وجود دارد؟
- باتوجه به فقدان مباحث زیبایی‌شناسی (Aesthetics) و تفکیک تفکر جدید غرب بین هنر ناب یا هنر برای هنر و هنر کاربردی، آیا می‌توان در هنر اسلامی این مباحث و تفکیک را در نظر گرفت؟

- چه تفاوتی بین زیبایی‌شناسی هنر غربی و نظریه زیبایی در هنر اسلامی وجود دارد؟
 - آیا هنر اسلامی شاخه‌ای از هنرهای شرقی است؟ چه اشتراکات و تمایزاتی با آنها دارد؟
 - چرا مکاتب و دوره‌های هنر اسلامی براساس سرزمین‌ها و حکومت‌ها تقسیم‌بندی شده است؟ آیا می‌توان این مکاتب و دوره‌ها را بر اساس تحولات فکری و فلسفی تفکیک و دسته‌بندی کرد؟
 - دلایل تأکید هنرهای اسلامی بر بنیان‌های هندسی و ریاضی (صور خطی غیر متشخص) چیست؟
 - آیا ویژگی‌هایی ناشی از گرایش تنزیهی در هنرهای اسلامی به طرز تفکر دینی هنرمندان بازمی‌گردد یا معطوف به مسائل تکنیکی و فنی این هنرهاست؟ (ویژگی‌هایی چون فقدان پرسپکتیو، نفی ناتورالیسم، نفی رئالیسم، حذف سایه‌روشن، تأکید بر تقارن، تأکید بر سمبولیسم و نمادپردازی، نور، رنگ و ...).
 - آیا هنر اسلامی در حوزه نقد و تفسیر هنر معیارهای خود را دارد یا از همان اصول نقد و تفسیر هنر غرب پیروی می‌کند؟
 - تبیین‌های عرفانی و فلسفی در حوزه هنر و زیبایی‌شناسی اسلامی چقدر معتبر و مقبول هستند؟ آیا در هنر اسلامی هنرمند مسلمان به واقع و اصالتاً در مسیر سیر و سلوک و کشف و شهود و مقامات معنوی گام بر می‌دارد؟
 - آیا با تعریف هنر اسلامی، می‌توان نحوه حیات آن را در متن زندگی مدرن بشر دریافت؟
 - موضع هنر اسلامی نسبت به هنرهای جدید (نظیر سینما، هنرهای مفهومی، هنرهای دیجیتال و ...) چیست آیا می‌توان سینمای اسلامی یا ... داشت؟
 - ...
- پاسخ به این سؤالات و دهها پرسش دیگر از این دست مستلزم مطالعه، تحقیق و بحث و گفتگو درباره مفهوم اساسی هنر اسلامی است. پرداختن به ماهیت هنر اسلامی و رسیدن به آراء تحقیقی و تخصصی در این باره راهگشای ما در مطالعات و پژوهش‌های هنر اسلامی خواهد بود.

مجموعه جستارهایی در چیستی هنر اسلامی (مجموعه مقالات و درسگفتارها) پس از ارائه در سلسله نشست‌های تبیینی ماهیت هنر اسلامی به همت اداره تحقیقات و مطالعات پایه فرهنگستان هنر تقدیم علاقه‌مندان و پژوهشگران هنر اسلامی می‌گردد. مقالات حاضر حاصل تلاش پژوهشگرانی است که هر یک از منظر و رویکردی خاص به بحث دربارهٔ هنر اسلامی و ماهیت آن پرداخته‌اند. ذکر این نکته ضروری است که هر یک از پژوهشگران تلاش کرده است از منظر و حوزه تخصصی خود هنر اسلامی را مورد کنکاش قرار دهد؛ بر این اساس انتشار این مقالات و درسگفتارها در این مجموعه به معنای اتفاق نظر آنان در خصوص هنر اسلامی نیست. همچنان که مقالات و درسگفتارها مؤید و مکمل یکدیگر نیستند. این مجموعه تنها به معرفی منظرها، رویکردها و مواضع قابل تأمل در بحث چیستی هنر اسلامی می‌پردازد و صد البته مطالعه، تأمل و پژوهش در این مباحث، برای نتیجه‌گیری و انجام پژوهش‌های جدی از سوی مخاطبان و پژوهشگران، مفید خواهد بود. بدیهی است که پژوهش در این حوزه جدید به واسطهٔ فقدان منابع و پیشینهٔ منسجم و کافی بسیار دشوار بوده و مجموعه حاضر تنها به عنوان فتح باب و تمهیدی برای پژوهش‌های تفصیلی و جدی در این حوزه است. نظرات انتقادی و پیشنهادات سازنده پژوهشگران، استادان و علاقه‌مندان به این مباحث می‌تواند در بهبود و غنای ویرایش‌های بعدی این مجموعه مؤثر واقع شود.

در پایان از همکاری مجدانهٔ پژوهشگران دقیق فرهنگستان هنر به ویژه جناب آقای اسماعیل پناهی و جناب آقای علیرضا رازقی برای تدوین، تقریر و بازنگری مجموعه حاضر قدردانی می‌گردد.

مروری بر تاریخ موسیقی ایرانی - اسلامی*

عبدالله انوار

چکیده

در این گفتار با اشاره به جایگاه موسیقی در تقسیم‌بندی‌های فلسفی که زیر مجموعه فلسفه وسطی قرار می‌گیرد، این بحث مطرح می‌شود که چگونه تباین بین موسیقی، که موضوع آن صوت است، با موضوع علم تعلیمی (یعنی فلسفه وسطی) که «کم» است، قابل توجیه است. در پاسخ به این سؤال با تشریح مباحث صناعت موسیقی، از جمله عوارض ذاتی «نغمه»، و نیز بررسی مبحث «کم» و «بعد» در موسیقی، ثابت می‌شود که جایگاه موسیقی در تقسیم‌بندی گذشته بهترین جایگاه برای آن بوده است.

در طبقه‌بندی فلسفی‌ای که از دیرباز در فرهنگ اسلامی منسوب به ارسطو است صناعت موسیقی زیرمجموعه فلسفه وسطی قرار می‌گیرد که فلسفه وسطی نیز زیر مجموعه فلسفه نظری می‌شود و فلسفه نظری خود یکی از دو قسم فلسفه در تقسیم اول می‌باشد؛ چه فلسفه بر حسب موضوعاتی که عوارض ذاتی آنها در شاخه‌هایش مورد بحث واقع می‌شود، در وهله اول به دو قسمت تقسیم می‌گردد: قسمی نظری و

* این مقاله متن سخنرانی استاد عبدالله انوار در سلسله نشست‌های تبیین ماهیت هنر اسلامی است که با موضوع «مروری بر تاریخ موسیقی ایرانی - اسلامی»، روز سه‌شنبه، ۱۲ تیر ۱۳۸۶، در مرکز هنرپژوهی نقش جهان ارائه شده است.